

برداشتها و خوانشهای متفاوت خاقانی از عقل

سیده پرنیان دریاباری

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

سال هجدهم، شماره هفتم، مهر ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۳، صص ۳۲۶-۳۱۵

<http://dx.doi.org/10.22034/bahareadab.2025.18.7978>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: این نوشتار با بررسی مضامین متفاوت عقل در دیوان اشعار خاقانی به توضیح نگاه منشوری و چندوجهی این شاعر مشهور در باره عقل میپردازد. اگر چه خاقانی در موارد متعددی از دیوان اشعار خود به مقوله عقل، توجه نشان میدهد، اما به هیچ روی نمیتوان به طور مطلق او را شاعری خردگرا و یا در مقابل آن، عقل ستیز تلقی کرد.

روش‌ها: پژوهش پیشرو، مطالعه‌ای نظری است که به شیوه پژوهش کتابخانه‌ای انجام شده است. محدوده و جامعه مورد مطالعه، اشعار خاقانی به کوشش ضیاءالدین سجادی بوده که توسط نشر مرکز منتشر شده است.

یافته‌ها: دنیای متنوع و پرنقش و نگار خاقانی و توجه تام و تمام او به صنایع لفظی و معنوی و بر ساختن ترکیبات بدیع، اگرچه مقام و منزلت این شاعر بی‌همتا را فراتر از آن میبرد که او را در دایره عقل‌گرایی و رویکردهایی از این قبیل محدود کنیم، اما آنچه از اشعار وی برمی‌آید نشانگر آن است که چندان هم به مباحث بنیادی هستی، بی تفاوت نبوده است. این موضوع را میتوان از تازش سخت او به فلسفه و فلاسفه از سویی و نقد خرافه و خرافه‌پردازی از سوی دیگر، دریافت. **نتیجه‌گیری:** نگاه خاقانی به عقل و برداشت او از این مقوله در مواجهه با شرع، حکمت و عشق تفاوت اساسی دارد. آنچه مطرح است خوانش متفاوت خاقانی از عقل و تفوق و امتیاز عشق در برابر عقل در نگاه اوست.

تاریخ دریافت: ۱۹ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ داوری: ۲۱ تیر ۱۴۰۴

تاریخ اصلاح: ۱۰ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۰ شهریور ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

اشعار خاقانی، عقل، عشق، شرع، حکمت، فلسفه، تصوف

* نویسنده مسئول:

Parniyan1355@iaui.ac.ir ✉

☎ ۰۹۰۲۲۳۵۰۰۲۱ (۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Khaghani's Different Interpretations and Readings of Reason

S.P. Daryabari

Department of Persian Language and Literature, WT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 09 June 2025

Reviewed: 12 July 2025

Revised: 01 August 2025

Accepted: 11 September 2025

KEYWORDS

Khaqani's poems, reason, love, Sharia, wisdom, philosophy, Sufism.

*Corresponding Author

✉ Parniyan1355@iaui.ac.ir

☎ (+98 21) 22350090

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: This article examines the different themes of reason in Khaqani's poetry collection to explain the prismatic and multifaceted view of this famous poet on reason. Although Khaqani pays attention to the category of reason in several instances in his poetry collection, he cannot be considered an absolute rationalist poet or, on the contrary, an anti-rationalist poet.

METHODOLOGY: The research is a theoretical study conducted in the manner of library research. The scope and community of the study were Khaqani's poems by Ziauddin Sajjadi, published by Markaz Publishing House.

FINDINGS: Although Khaqani's diverse and rich world and his complete attention to verbal and spiritual arts and the creation of novel combinations, take the status and prestige of this unique poet beyond limiting him to the circle of rationalism and such approaches, what emerges from his poems indicates that he was not indifferent to the fundamental issues of existence. This can be seen from his strong attack on philosophy and philosophers on the one hand and his criticism of superstition and superstition on the other.

CONCLUSION: Khaqani's view of reason and his understanding of this category are fundamentally different in the face of Sharia, wisdom, and love. What is at issue is Khaqani's different reading of reason and the superiority and privilege of love over reason in his view.

<http://dx.doi.org/10.22034/bahareadab.2025.18.7978>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 9	 0	 1

مقدمه

موضوع عقل و توجه فلاسفه، شاعران، عارفان و متفکران به این مقوله از روزگاران کهن در فرهنگ و ادبیات ایران زمین، جاری و ساری بوده است و نکته اساسی در این رویکرد، آن است که در اکثر موارد، هر جا که سخن از عقل است، آن را در تضاد و تقابل با عشق آورده‌اند. صرف‌نظر از بازیهای زبانی شاعرانه و ساختار صناعات ادبی، پرسش دشوار آن است که آیا در حقیقت و از منظر ماهیتی نیز، عقل و عشق در تضاد و تقابل قرار دارند یا این مسئله صرفاً ساخته و پرداخته ذهن شاعرانه است...؟

پرواضح است که پاسخ به این پرسش، خود یک مبحث مفصل و مبسوطی است که تمرکز و پژوهشی جداگانه را می‌طلبد اما از آنجا که بحث ما در ارتباط با رویکرد شاعر بلندآوازه زبان و ادبیات پارسی یعنی افضل‌الدین بدیل خاقانی به عقل است، در این نوشتار، میکوشیم در حد بضاعت و تا آنجا که ظرفیت بحث اجازه می‌دهد، به این مقوله بپردازیم. چنین به نظر می‌رسد که غیر از فلاسفه‌ای نظیر ابن سینا و فارابی و غیره... از میان عارفان و شاعران گذشته، عطار و سنایی جزو نخستین صاحب‌نظرانی هستند که به این موارد توجه نشان داده‌اند. خاقانی نیز با عنایت به آثار و افکار پیشینیان خود، به مباحثی که در دایره عقلانیت قرار دارند، توجه نشان داده و در اشعار خود راجع به عقل، در قالب عباراتی نظیر عقل معاش و عقل معاد و غیره ابیاتی را به‌نظم درآورده است که پس از این مورد اشاره و بررسی می‌شود. اگر بخواهیم به صورت دقیق به ماهیت افکار و دامنه دانش خاقانی پی‌بریم ابتدا باید میان میزان دانشی که او در حوزه علوم و فنون گوناگون کسب کرده با آن میزان از خردگرایی که در اشعار او به چشم می‌آید، تمایز قائل شویم. واضح است که خاقانی در دانشها و فنون مختلف نظیر نجوم، ریاضیات، موسیقی، هندسه، الهیات، طب، فلسفه و سایر حوزه‌های علوم دینی آنچنان ژرف و پیرامنه به تحصیل و کسب فضیلت پرداخته بود که سرآمد اقران و اکباء خویش محسوب می‌شده است. اما چنانکه گفتیم بحث ما بر خوانش و برداشت خاقانی از عقل تمرکز دارد.

پیشینه پژوهش:

در جستجوی ما از منابع گوناگون، پیش از این، مقاله‌ای تحت عنوان "عقل و عشق در دیوان خاقانی" به قلم ام‌البنین رحمتی دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند به چشم آمد که بیشتر ناظر بر ابیاتی است که در آن از عقل یاد شده و تفاوت محتوایی با پژوهش ما دارد، زیرا رویکرد ما در این مبحث، خوانش متفاوت خاقانی از عقل است که با تحلیل داده‌ها همراه است.

فرضیه‌های تحقیق:

نگاه خاقانی به عقل و برداشت او از آن در مواجهه با شرع، حکمت و عشق، تفاوت اساسی دارد. بطور کلی با مطالعه اشعار خاقانی این نگاه و رویکرد را در سه مبحث می‌توان مورد اشاره قرار داد:

دیدگاه اول که به دیدگاه صوفیه و عرفا نزدیک است و گویا از این گروه اخذ شده باشد؛ برتری عشق بر عقل است. در بسیاری از موارد خاقانی با مضامینی چون نکوهش عقل و ناتوانی و تحیر آن در برابر عشق از این دیدگاه سخن می‌گوید. **دیدگاه دیگر** اهمیت دادن به عقل است که مخصوصاً در ابیاتی که از عقل معاش صحبت می‌کنند به این مطلب اشاره دارد.

دیدگاه آخر منبعث از بعضی ابیاتی است که در دیوان خاقانی وجود دارد و براساس آن، خاقانی گاه جانب عقل و گاه جانب عشق را میگیرد که این خود بیانگر تضاد شاعر درباره بعضی از مضامین عقل و عشق است. مسئله دیگر رویکرد خاقانی در رابطه با عقل و شرع است. هیچگاه خاقانی عقل را در برابر شرع قرار نداده، بلکه عقل را یاریگر و همراه شرع میدانند. همانطور که ملاحظه شد؛ اگرچه خاقانی همچون صوفیه عشق را بر عقل ترجیح میدهد در مواردی چون متشرعین، عقل را همراه و یاریگر شرع و دین قلمداد میکند.

دیدگاه صاحب‌نظران و کارشناسان در باره افکار و اندیشه‌های خاقانی:

یان ریپکا بر این باور است که خاقانی بیشتر به عرفان و دین توجه دارد تا به حکمت و فلسفه (ماهیار، ۱۳۷۶: ۲۹). همچنین غفار کندلی از محققان باکو میگوید: از نقطه نظر استقامت طرز اندیشه فلسفی، او دیداری از فلسفه یونان کرده و نظری صائب و پیگیر به سوی حکمت اشراق دوخته دارد (همان: ۲۸).

ریپکا در جای دیگری میگوید: خاقانی در پایگاه استادی درخشان همه دانش و انگاشتهای دانش روزگار خود را بکار برد و آنها را در هنروری سخنورانه به نمایش گذاشت. همه هستی‌آش بر دانش‌پژوهی و شعر، بنیان یافته اما از آنجا که بیش از همه شاعر بود، دانش را در خدمت و بهره‌برداری شعر بکار گرفته و دشواریهای سخن او نیز نه از خودنمایی یا گرایش به ترفند بلکه از خرد بسیار سرچشمه گرفته است (ریپکا، ۱۳۸۲: ۳۷۹).

بدیع‌الزمان فروزانفر میگوید: همین تمایل خاقانی به زهد و آخرالامر به تصوف، در افکار وی تأثیر قوی کرد و یک چند او به روش زاهدانه رغبت بسیار و اعتقاد، بلکه تعصب دینی بسیار داشت و با اینکه خود از فلسفه آگاهی داشت، فیلسوفان را بی‌دین و فلسفه را ضلال می‌پنداشت، ولی تصوف تا حدی فکر و دماغ وی را تعدیل و تر و تازه کرد و از تعصب او کاست و با دیر و پیر مغانش آشنا ساخت؛ هر چند اعتقادش به فلسفه و فلسفیان بواسطه دوری و اجتناب صوفیان از ارباب استدلال یعنی حکما به صورت نخستین باقی ماند (فروزانفر، ۱۳۸۰: ۶۲۲ و ۶۲۳). معصومه معدنکن معتقد است: خاقانی مثل بسیاری از اقران خویش، از فلسفه گریزان بوده و این علم را همانند کیمیاگری، جز تزویر و ریا نمی‌داند (معدنکن، ۱۳۷۲: ۷).

جلال‌الدین کزازی اما بر این باور است که: سخنوری چون خاقانی نخست برای دل خویش میسراید و شعر در او پاسخی است به نیازی تب‌آلوده که شکیب و آرام از وی میرباید. در چشم خاقانی، بنیاد جز بر شعر نیست؛ او میسراید برای اینکه باید میسرود (کزازی، ۱۳۷۶: ۲۴۶).

برداشتها و خوانشهای متفاوت خاقانی از عقل:

همانطور که پیش از این اشاره شد، در این پژوهش به معانی «عقل» در اشعار خاقانی پرداخته شده است. خاقانی نگاهی منشوری به عقل داشته است و بر این اساس از اشعار خاقانی برداشتها و خوانشهای متفاوتی از عقل دریافت میشود. بنابراین در این مجال به مضامینی در باره عقل که خاقانی در دیوان اشعار خود به آنها اشاره کرده است؛ به ترتیب از بالاترین بسامد تا کمترین بسامد می‌پردازیم.

آنچه از ابیات خاقانی استنباط میشود این است که اهمیت عقل برای خاقانی در درجه دوم و پس از عشق قرار دارد و از ترجیح عشق بر عقل سخن گفته است. این موضوع از بالاترین بسامد در اشعار خاقانی برخوردار است و به صورتهای گوناگون مطرح شده است. اغلب ابیات به‌طور مستقیم عشق را بر عقل ترجیح داده‌اند و گاه با بیانهای

دیگر چون سرگردانی و تحیر عقل در برابر عشق، درماندگی و تسلیم عقل در برابر عشق و حتی نکوهش و تخطئه عقل به برتری عشق بر عقل اشاره کرده‌اند. موضوع دومی که بسامد بالایی در اشعار خاقانی دارد، استفاده ابزاری از عقل است برای مدح ممدوح خود یا تعریف و ستایش از خود و شعر خود. موضوعی که بسامد آن پس از این مباحث قرار می‌گیرد، اشاره خاقانی به عقل معاش است که از ابیات استنباط میشود که خاقانی این عقل را در زندگی هدایت‌کننده و یاریگر انسان معرفی می‌کند. خاقانی در ابیاتی عقل را تخطئه کرده و آن را در برابر عشق کوچک می‌شمرد. در ابیاتی نیز پیرو همان طرز فکر عقل را تسلیم عشق میدانند. در ابیاتی از عقل و شرع سخن می‌گوید؛ عقل را واله و شیدای مقام والای حضرت محمد (ص) معرفی میکند و در بیتی حضرت محمد (ص) را به کمال‌رساننده عقل میدانند و در ابیاتی عقل را همراه و یاور شرع و دین برمی‌شمرد. در محدود ابیاتی عقل را بر عشق ترجیح داده و خرد را ارج نهاده است. در ابیاتی درباره عقل معاد سخن گفته است. در دو بیت از تحیر و سرگردانی عقل در برابر عشق سخن گفته است. در دو بیت از ناپایداری عقل و خرد سخن میراند. در ابیاتی اصالت را به عقل داده و کارها را با محک عقل می‌سنجد. در ابیاتی عشق را در برابر عقل سرکوب کرده و از عشق که عقل را محدود میکند پشیمان است. در بیتی خاقانی می‌گوید، می‌طلبد تا از عقل رهایی یابد. در بیتی بر از دست ندادن مهار عقل پافشاری میکند. گزارشی که از مضامین عقل در اشعار خاقانی با توجه به بسامد ابیات، مطرح شده است، مشخص می‌کند؛ هرچند که خاقانی عقل را در درجه دوم و پس از عشق قرار داده است، اما در اشعارش تضاد و عدم قطعیت از این موضوع پدیدار است. در ادامه اشعار خاقانی با مضامین عقل طرح و بررسی می‌شوند.

۱. برتری عشق بر عقل

۱-۱ ترجیح عشق بر عقل

خاقانی ابیاتی در ترجیح عشق بر عقل سروده و گاه غیرمستقیم با طرح موضوعاتی چون سرگردانی و تحیر عقل در برابر عشق و درماندگی و ناپایداری عقل و تسلیم عقل در برابر عشق به این موضوع اشاره کرده است:

چشم دارم که مرا از تو پیامی برسد	وز می وصل لبم بر لب جامی برسد
عقلم آواره صفت می‌بدود در پی تو	گر به کویت نرسد هم به مقامی برسد

۸۵۹/ غزل ۱۳۶

عقل نه همتای توست کز تو زند لاف عشق	می نشناسد حریف خیره سری می‌کند
-------------------------------------	--------------------------------

۸۸۲/ غزل ۱۷۳

دل عاشق به جان فرو ناید	همتش بر جهان فرو ناید
خاکی را که یافت پایه عشق	سر به هفت آسمان فرو ناید
ور دهد تاج عقل با دو کلاه	سر عاشق بدان فرو ناید

۹۰۰/ غزل ۱۹۹

^۱ ابتدا شماره صفحه و سپس شماره غزل یا قصیده ذکر شده است.

بار نامه به کار آب کنید	کارنامه خرد به آب دهید
توبه را طره‌وار سر ببرید	عقل را زلف‌وار تاب دهید
دل به گیسوی چنگ دربندید	جان به دستینه رباب دهید
خوش خوش از عشق تو جانی می‌کنم	وز گهر در دیده کانی می‌کنم
بر سر عقل آستینی می‌زنم	از در صبر آستانی می‌کنم
ساغری چون اشک داودی به رنگ	از پری‌روی سلیمانی بخواه
دیدبان عقل را بر بند چشم	چشم بندش آنچه می‌دانی بخواه
با ترک تاز شحنة عشقش میان جان	سلطان عقل هندوی جان بر میان ماست
عقل جگر تفته‌ای است، همت چرب آخوری است	جرعه‌خور جام عشق، زله خور خوان او
	۹۰۴/ غزل ۲۰۸
	۹۶۴/ غزل ۲۸۱
	۱۰۰۸/ غزل ۳۴۱
	۹۴/ قصیده ۱۹
	۵۰۴/ قصیده ۱۰۶

مضامین دیگری نیز در اشعار خاقانی وجود دارد که به طور ضمنی بر ترجیح عشق در برابر عقل را بیان می‌کند:

سرگردانی و تحیر عقل در برابر عشق

عقل در عشق تو، سرگردان بماند	چشم جان از روی تو حیران بماند
در ره سرگشتگی عشق تو بس	روز و شب چون چرخ سرگردان بماند
	۸۷۴/ غزل ۱۶۱

درماندگی و تسلیم عقل در برابر عشق

عقل ز دست غمت دست به سر می رود	بر سرکوی تو باد هم به خطر میرود
عقل دیوانه عشق تو گشت	بندش از زنجیر گیسوی تو بس
عشق تو عقل مرا کیسه به صابون زده است	و آمده؛ تا هوش را خانه فروشی زند
	۸۹۳/ غزل ۱۸۷
	۹۲۰/ غزل ۲۲۶
	۸۸۷/ غزل ۱۸۰

کیسه به صابون زدن کنایه از شستن و خانه فروشی زدن کنایه از به حراج گذاشتن است و به طور کلی بیت به تسلیم شدن عقل در برابر عشق اشاره دارد.

از دیگر موضوعاتی که شاید بتوان گفت جانب عشق در آنها گرفته شده است، نکوهش و تخطئه عقل است. تقابل عشق و عقل را هم شاید چون به‌طور ضمنی به عدم توانایی عقل اشاره دارد بتوان در این دسته جای داد.

نکوهش عقل

در عری خانه خذلان چکنم؟
عقل را طفل دبستان چکنم؟
۳۹۵/ قصیده ۸۱

بس عقل کو ز عشق ملامت گزین گریخت
۷۸۴/ غزل ۲۱

که این ره دامن تر برنتابد
خراج از عقل کمتر برنتابد
۸۳۳/ غزل ۹۹

عقل را سر برگرفتم چون بفرمانت نبود
۸۹۱/ غزل ۱۸۵

جمّاشی چشم پر عتیش بین
هم نور جمال او حجیش بین
سر چون سر خامه در نشیش بین
۹۹۶/ غزل ۳۲۴

عقل را پیرانه سر در ام صبیان دیده‌اند
۱۷۵/ قصیده ۳۹

عقل آفت است هیچ مگو تا برافکند
۱۹۱/ قصیده ۴۳

که این نارنج گون حقه به بازی کرد حیرانش
چوموسی زنده در تابوت از آن دارم به زندانش
گذر برخیل فرعون است و ناچار است زایشانش
۳۱۴/ قصیده ۶۵

شاه دل را که خرد بیدق اوست
نی نی آزادم ازین لوح دورنگ

در کوی عشق، دیوی و دیوانگی است عقل

تخطئه عقل

به عیاری توان رفتن ره عشق
هوا چون شحنة شد بر عالم دل

فتنه را برسر گرفتم چون سرکار از تو داشت

خاموشی لعل او چه می بینی
تا چشم نظاره زو خبر ندهد
آن عقل که برد نام بالایش

در طواف کعبه چون شوریدگان از وجد و حال

بنیاد عقل برفکند خوانچه صبح

ناپایداری عقل

هنوزم عقل چون طفلان سر بازیچه می‌دارد
خردناایمن است از طبع ز آن حرزش کنم حیرت
خرد بر راه طبع آید که مهد نفس موسی را

تقابل عقل و عشق

در بسیاری از ابیاتی که عقل و عشق با هم مقایسه میشوند، مفهوم تقابل وجود دارد، اما معنا به سویی گرایش دارد. در ابیات زیر مفهوم تقابل عقل و عشق صریح و مشخصتر بیان شده است.

عشق تو در مرغزار عقل زد آتش
از تر و خشک، مرغزار بپرداخت
۷۸۲/ غزل ۱۸

نیکوان خلد بالای سرت نظاره‌اند
تن که باشد تا به خون او کنی آلوده تیغ
کفروایمان را بهم صلح است خیز از زلف و رخ
یک نظر بنمای و آشوبی در ایشان درفکن
زور با عقل آزمای و پنجه با جان درفکن
فتنه‌ای ساز و میان کفر و ایمان درفکن
۹۹۰/ غزل ۳۱۶

یک خدنگ از ترکش آن، شحنه دریای عشق نزد عقل از بیم چرخ جانستان آورده‌ام
۳۴۵ / قصیده ۷۰

خاقانی تنها از در ذم عقل و ترجیح عشق بر آن سخن نگفته است، بلکه در ابیات معدودی از ترجیح عقل و در ابیاتی از عقل معاش سخن گفته است. از دیگر مضامین شعر خاقانی که مربوط به ارج و اهمیت عقل است عبارتند از؛ عقل ضامن بقای شرع، عقل معاش و عقل معاد و ابیاتی درباره موضوعات پراکنده‌ای است که از ذکر آنها به دلیل انسجام مطلب خودداری می‌کنیم.

دیدگاه خاقانی درباره عقل

ترجیح عقل

عقل را در بندگیش افسر خدائی داده‌ام ایتکینی برده و الب ارسلان آورده‌ام
۳۴۵/قصیده ۷۰

افسر خدایی کنایه از پادشاهی است ایتکینی مجاز خاص و عام به معنی بنده و چاکر است و الب ارسلان استعاره از پادشاه. با ارج نهادن به عقل آن را چون بنده و پادشاه، چاکر و رهی پیامبر(ص) دانسته است.

ای پیر مغان دل شما مرغان آمد شد ما دگر نرنجانند
خمار شما ندارد آن رطلی کو عقل مرا تمام بستاند
۱۸۷۸ / غزل ۱۶۶

غم بنیاد آب و گل چه خوری دم گردون مستحل چه خوری
افسر عقل بایدت بر سر از سر آز خون دل چه خوری
۱۰۵۰ / غزل ۴۰۶

عقل معاش

این دو صادق خرد و رای که میزان دلند بر پی عقرب عصیان شدنم نگذارند
وین دل و عقل که پیکان ره توفیقند بر سر شه ره خذلان شدنم نگذارند
دارم اخلاص و یقیم کام پرستی نکنم کان دو شیرند که سگبان شدنم نگذارند
عقل و عصمت که مرا تاج فراغت دادند بر سر منصب دیوان شدنم نگذارند
۱۸۶ / قصیده ۴۱

چو در میدان آزادی سواریش آرزو کردی سر آمال بودی گوی و پای عقل چوگانش
سینه به غوغای حرص بیش میالا از آنک ۳۱۵ / قصیده ۶۵
نیست به فتوای عقل گرگ به رم داشتن
۴۷۳ / قصیده ۹۹

عقل در خدمت شرع و حضرت محمد(ص)

کتف محمد از در مهر نبوت است بر کتف بیوراسب بود جای ازدها
آزاد کرده در او بود عقل و او چون عقل هم شهنشه و هم پاسبان ما
۳۰ / قصیده ۵

عقل واله شده از فر محمد یابند
عقل وجان چون بی و سین بر در یاسین خفتند

طور پاره شده از نور تجلی بیند
تن چو نون کز قلمش دور کنی تا بیند
۲۰۶/قصیده ۴۴

عقل ضامن بقای شرع

بنمود صبح صادق دین محمدی
دندانهای تاج بقا شرع مصطفاست

هین در ثنائش باش چو خورشید صد زبان
عقل آفرینش از بن دندان کند ضمان
۴۳۴/قصیده ۹۰

هادی مهدی غلام امی صادق کلام
باج ستان ملوک تاج ده انبیا
احمدمرسل که کرد از طپش و زخم تیغ

خسرو هشتم بهشت شحنه چارم کتاب
کز در او یافت عقل، خط امان از عقاب
تخت سلاطین زغال گرده شیران کباب
۶۶/قصیده ۱۳

عقل معاد

به دیو امل عقل غره نسازم
هرچه نقش نفس می‌بینم به دریا می‌دهم

به باد طمع طمع خرم ندارم
هر چه نقد عقل می‌یابم در آتش می‌برم
۳۶۲/قصیده ۷۴
۳۸۷/قصیده ۷۹

استفاده ابزاری از عقل

تعداد زیادی از ابیات خاقانی مربوط است به استفاده ابزاری از عقل. در این ابیات وی به دو صورت از عقل استفاده کرده است؛ عقل را در جهت ستایش ممدوح استفاده کرده است یا از خود یا شعر خود تعبیر عقل و یا تعویذی بر عقل کرده است.

در تعریف از ممدوح

در مدح ملک الوزراء زین الدین دستور عراق

باد مسلم شده کف و بنان تو را
جاه تو را مدح گوی عقل و زبان خرد

خنجر گوهر نگار، خامه گوهر فشان
حکم تو را زبردست دولت و بخت جوان
۴۶۵/قصیده ۹۶

در مدح قاضی القضاة احمشاد

ای تاجور اردشیر اسلام
ای سایه حق که عقل کل را
گردد فلک المحيط گویت

کاجری خورت اردوان ببینم
ز اخلاق تو دایگان ببینم
گر دست تو صولجان ببینم
۴۰۲/قصیده ۸۲

در مدح سلطان غیاث الدین محمود بن محمود بن محمد بن ملکشاه

ای به رصدگاه دهر صاحب صدر بقا
وی به قدمگاه عقل نایب حکم قدم
۴۱۲/قصیده ۸۵

در ستایش از خود

کاقبال او درخت کدو را چنار کرد من هدهدی که عقل به من افتخار کرد بختش به خلعت ملک امیدوار کرد ۱۲۷/قصیده ۳۰	گر بر درش درختک دانا شدم چه باک بلقیس بانوان و سلیمان شه اخستان هدهد کنون که خلعت بلقیس عهد یافت
خاقانی از زبان ملک مدح خوان اوست و امسال این قصیده که هم حرز جان اوست ۱۲۱/قصیده ۲۷	بر دست راست و چپ ملکان مادح ویند پار آن قصیده گفت که تعویذ عقل بود
نوعروس فضل را صاحب منم نعم الفتی خوان فکرت سازم و بی‌بخل گویم الصلا خاطر آبستن من نور عقل است از صفا من چراغ عقل و آنها روز کوران هوا منکرند این سحر و معجز را رفیقان ریا ۳۲/قصیده ۶	شه طغان عقل را نایب منم، نعم الوکیل درع حکمت پوشم و بی‌ترس گویم القتال نکته دوشیزه من حرز روح است از صفت من قرین گنج و اینان خاک بیزان هوس دشمنند این عقل و فطنت را حریفان حسد

گزارش دریافته‌ها:

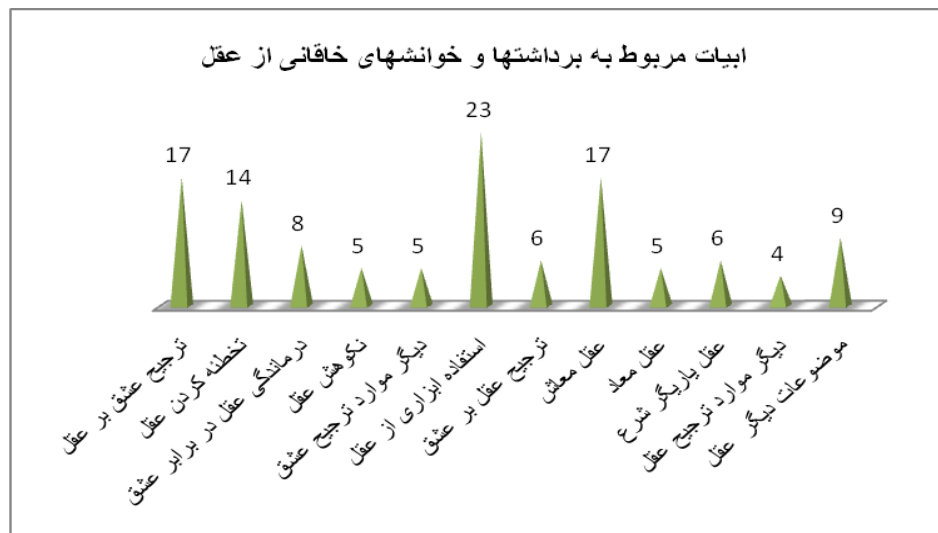
با توجه به مباحث مطرح شده، مشخص شد که نقطه نظر خاقانی در بحث تقابل عقل و عشق، عشق را برتر از عقل قلمداد میکند. اما در همین چارچوب نمی‌ماند و مهمترین موضوعی که برای ارج نهادن به عقل در اشعارش مطرح میکند تجلیل از عقل معاش است که راهبر و هدایت‌کننده انسان در مسایل زندگی است.

هیچگاه عقل را در تقابل با دین و شرع قرار نداده است و در ابیاتی وجود حضرت محمد (ص) را کامل‌کننده عقل میدانند و عقل را واله و شیدای وجود مقدس ایشان معرفی میکند. اگر خاقانی فلسفه را رد کرده و در ابیاتی علم یونانیان و فلسفه را به فلسفی نمی‌شمارد، به خاطر وجود تناقضاتی است که فلسفه با دین داشته که در آن دوران این مسایل مطرح شده و اهل کلام به این مسایل پرداخته اند و دیگر شاعران نیز این مطلب را بیان کرده اند و در رد فلسفه خاقانی هیچگاه قصد مخالفت با عقل را نداشته است.

همانطور که نمودار ابیات مربوط به برداشتها و خوانشهای خاقانی در عقل نشان می‌دهد؛ خاقانی در پنج مبحث عمده ترجیح عشق بر عقل، سرگردانی و تحیر عقل در برابر عشق، درماندگی و تسلیم عقل در برابر عشق، نکوهش عقل و تخطئه عقل سعی کرده است برتری عشق را بر عقل ثابت کند.

بلندترین ستون این نمودار که مربوط است به استفاده ابزاری از عقل به دو مورد اشاره می‌کند؛ اول اینکه خاقانی در ابیات زیادی با استفاده از مضامینی از عقل رونقی به مدح خود بخشیده است یا با این مضمون از خود و شعرش تمجید می‌کند. دوم این که سمت راست نمودار پیش از این ستون مربوط است به ابیات ترجیح عشق بر عقل و سمت چپ نمودار از این ستون مربوط به ارج نهادن خاقانی به عقل است؛ همانطور که از تعداد ابیات مشخص شده است، تعداد ابیات برتری عشق بر عقل ۴۹ بیت و تعداد ابیات ارج نهادن بر خرد ۴۷ بیت می‌باشد که تقریباً خاقانی درباره این دو موضوع معادل هم سخن گفته است.

از قراین موجود در مقاله چنین برمی آید که خاقانی چون صوفیه و عرفا معتقد است که عشق بر عقل ترجیح دارد و راهبر و راهنما است و چون متشرعین عقل را یاور و یاریگر دین برمی شمارد و عقیده رد فلسفه که در ابیات خاقانی دیده می شود موافق با عقیده متشرعین و صوفیه است.



تشکر و قدردانی

نویسنده مراتب تشکر و قدردانی خود را از مدیر گروه رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب و اعضای هیأت تحریریه نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام مینماید.

تعارض منافع

نویسنده این مقاله گواهی مینماید که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی خود نویسنده است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. در این تحقیق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی رعایت شده و هیچ تخلف و تقلبی در آن صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بر عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Khaqani, Afzal al-Din Badil. Divan-e Khaqani. Edited by Zia al-Din Sajadi. Tehran: Markaz, 1996.
- Rahimian, Saeed. Mabani-ye Erfan-e Nazari. Tehran: Samt, 2009.
- Ripka, Jan. History of Persian Literature. Translated by Dr. Abolqasem Serri. Tehran: Sokhan Publications, 2003.

- Sajadi, Seyyed Sajad. Farhang-e Oloum-e Falsafi va Kalami. Tehran: Amir Kabir, 1996.
- Zebihollah, Safa. Tarikh-e Adabiat dar Iran va dar Qalamro-e Zaban-e Parsi, Vols. 1-5. Tehran: Ferdows, 1993.
- Furuzanfar, Badi' al-Zaman. Sokhan va Sokhnavaran. Tehran: Khwarazmi Publications, 2001.
- Kazazi, Mir Jalal al-Din. Rokhsar-e Sobh. Tehran: Ketab Mad Publications affiliated with Nashr Markaz, 1997.
- Mahyar, Abbas. Selected Poems of Khaghani. Tehran: Ghatré Publications, 1997.
- Madan-e Kan, Masoumeh. Ancient wedding feast. Tehran: University Publishing Center, 1993.

فهرست منابع فارسی:

- خاقانی افضل‌الدین بدیل، دیوان خاقانی، به کوشش ضیاء‌الدین سجادی، تهران، مرکز، ۱۳۷۵
- رحیمیان سعید، مبانی عرفان نظری، تهران، سمت، ۱۳۸۸
- ریپکا یان، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه دکتر ابوالقاسم سیری، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۲
- سجادی سید سجاد، فرهنگ علوم فلسفی و کلامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵
- صفا ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان پارسی جلد‌های ۱-۵، تهران، فردوس، ۱۳۷۲ ش.
- فروزانفر بدیع‌الزمان، سخن و سخنوران، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- کزازی میر جلال‌الدین، رخسار صبح، انتشارات کتاب ماد وابسته به نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۶ ش.
- ماهیار عباس، گزیده اشعار خاقانی، نشر قطره، تهران، ۱۳۷۶ ش.
- معدن کن معصومه، بزم دیرینه عروس، مرکز نشر دانشگاهی تهران، ۱۳۷۲ ش.

معرفی نویسنده

سیده پرنیان دریاباری: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: Parniyan1355@iaau.ac.ir)

(ORCID: 0009-0000-6617-0190)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the author

Seyedeh Parnian Daryabari: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, WT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: Parniyan1355@iaau.ac.ir)

(ORCID: 0009-0000-6617-0190)